



# امور



# دریں نامہ نامی کریمتی

سطح

بہ سفارتش شبیکہ ملی تبلیغ مدارس



عنوان و نام پدیدآور : آموزه دفتر اول درس نامه های تربیتی سطح ۱ / تهیه کننده معاونت پژوهشی موسسه فرهنگی

هنری یاران سبز موعود (عج)؛ به سفارش شبکه ملی تبلیغ مدارس.

مشخصات نشر : قم: خاکیان ، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۱۶ص.

شابک : ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۵۵۶-۲-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان دیگر: آموزه سطح ۱.

عنوان دیگر : آموزه سطح ۱.

موضوع : اسلام - تبلیغات

موضوع : نوجوانان و اسلام

موضوع : اسلام - مسائل متفرقه

شناسه افزوده : موسسه یاران سبز موعود (عج)

شناسه افزوده : شبکه ملی تبلیغ مدارس

رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۸۲/۱۱/۶۲BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۱۷۵۴۲

انتشارات

خاکیان

نام کتاب:..... آموزه؛ سطح ۱

ناشر:..... خاکیان

نوبت چاپ:..... دوم / ۱۳۹۰

چاپخانه:.....

شمارگان:..... ۱۰۰۰ نسخه

قیمت:..... ۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤسسه یاران سبز موعود (عج) محفوظ می باشد.

به سفارش شبکه ملی تبلیغ مدارس

مرکز پخش: ۰۹۱۲۴۵۲۲۷۸۴ - تلفکس: ۰۲۵۱۷۸۴۰۶۳۰ - ۰۲۵۱۷۷۴۲۵۳۴



## سیره‌ی پیامبر اعظم ﷺ

(جلسه دوم)

### راهبرد جلسه

در ادامه‌ی بحث گذشته، در این جلسه سیره‌ی خانوادگی و اجتماعی حضرت، همراه با حکایاتی از سیره‌ی ایشان، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### مذابیت اولیه کلاس

در جلسه‌ی گذشته، راجع به سیره‌ی فردی پیامبر اکرم ﷺ قدری صحبت کردیم. در این جلسه راجع به سیره‌ی خانوادگی و اجتماعی بهترین و مهربان‌ترین فرد عالم، صحبت خواهیم کرد. وقتی از پیامبر ﷺ سخن گفته می‌شود، غالباً ذهن‌ها به جنبه‌های عبادی و قسمت‌هایی که بارها از راه‌های مختلفی شنیده‌اند، گرایش پیدا می‌کند و کم‌تر از رفتارهای حضرت در خانه و اجتماع سخن



گفته می‌شود؛ از شوخی‌ها و مزاح‌های حضرت، از کمک‌های حضرت در خانه و ... کم‌تر سخن گفته شده است. در این جلسه، با برخی از رفتارها و سیره‌ی حضرت در خانه و خانواده و نیز سیره‌ی اجتماعی و برخی مزاح‌های ایشان آشنا می‌شویم.

### الف) سیره‌ی خانوادگی

در خانه برنامه‌ریزی داشت

پیامبر اسلام ﷺ در خانه، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می‌کرد:

«بخشی برای خدا»: در این بخش به عبادت و نماز و نیایش و تهجد می‌پرداخت.

«بخشی برای خانواده»: گفتگو و انس گرفتن با آنان و تامین نیازهای روحی و عاطفی آنان.

«بخشی هم برای خود و مردم»: (چون در اوقات حضور آن حضرت در خانه، مردم مراجعه می‌کردند و با حضرت کار داشتند).<sup>۱</sup> امام حسین ﷺ می‌فرماید: از پدرم، علی ﷺ که بیش از سی سال عمر خود را با رسول خدا ﷺ سپری کرده و از اخلاق داخلی و خارجی حضرتش اطلاع دقیق دارد، در مورد امور رسول خدا ﷺ در داخل خانه سؤال کردم، ایشان فرمودند:



وقتی به خانه‌اش می‌رفت، اوقاتش را سه قسمت می‌کرد: یک قسمت برای خدا، یک قسمت برای خانواده‌اش و یک قسمت هم برای خودش. آن‌گاه قسمت خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و آن را برای بستگان و بزرگان صحابه (که در منزلش به خدمت او می‌رسیدند) قرار می‌داد و ذره‌ای از امکانات خود را از آنان دریغ نمی‌نمود، بلکه آنچه امکان داشت در حق‌شان انجام می‌داد.<sup>۱</sup>

به اهل خانه کمک می‌کرد

و كَانَ يَخْصِفُ النَّعْلَ وَ يُرْقِعُ الثَّوْبَ وَ يَفْتَحُ الْبَابَ وَ يَحْلِبُ الشَّاءَ وَ يَعْقِلُ الْبَعْرَ فَيَحْلِبُهَا وَ يَطْحَنُ مَعَ الْخَادِمِ إِذَا أَعْيَا وَ...<sup>۲</sup>

در را باز می‌کرد، گوسفند را می‌دوشید، زانوی شتر را می‌بست و شیر آن را می‌دوشید، اگر خادم خانه خسته می‌شد، در آسیاب کردن گندم به او کمک می‌کرد.

در نقل دیگری چنین آمده است:

يَخْدُمُ فِي مِهْنَةِ أَهْلِهِ وَ يَقْطَعُ اللَّحْمَ؛ در کارهای خانواده به آنان خدمت می‌کرد و با دست خود گوشت خرد می‌کرد.  
در همه‌ی کارها، به اهل خانه کمک می‌کرد و لوازم خانه و

۱. سنن النبی، ص ۱۱۴ معانی الاخبار، ص ۱۸۰ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۰. سیمای پیامبر اسلام،

ترجمه «مختصر الشمائل المحمدیه»، حاج شیخ عباس قمی، ص ۵۳.

۲. کشف الغطاء، ج ۲، ص ۳۸۷.



زندگانی را بر روی پشت خود، از بازار به خانه می برد.<sup>۱</sup>  
 گاه اتفاق می افتاد که حضرت خانهای خویش را نظافت می کرد و  
 جارو می کشید و خود مکرر می فرمود: کمک به همسر و کارهای  
 منزل، صدقه و احسان در راه خدا محسوب می شود.<sup>۲</sup>

### با خانواده همدل و مهربان بود

اگر خانواده را مجموعه‌ی کوچکی به شمار آوریم که رفتار زن  
 و شوهر و فرزندان با یکدیگر، آن را صفا می بخشد و همدلی میان  
 افراد، آن را قوام و استحکام می دهد، نمونه‌ی این رفتار در خانهای  
 حضرت محمد ﷺ دیده می شود.

می فرمود: «خیرکم، خیرکم لِنِسَائِهِ وَ اَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي»<sup>۳</sup>  
 بهترین شما، شخصی است که با همسرش خوش رفتارتر باشد و  
 من از تمامی شما نسبت به همسرانم خوش رفتارترم».

### کودکان را دوست داشت

پیامبر خدا ﷺ به فرزندان خود مهر می ورزید، آنان را در آغوش  
 می گرفت و می بوسید.

به اکرام فرزندان و دوست داشتن آنان سفارش می کرد و توصیه  
 می فرمود که بین فرزندان تان به عدالت رفتار کنید، حتی در بوسیدن آنها.

۱. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۴۶. التحفة السنية، ص ۳۳۸.

۲. کحل البصر، ص ۱۰۲.

۳. وافى، ج ۳، ص ۱۱۷؛ وسائل، ج ۱۴، ص ۱۲۲.



بوسیدن فرزند را کاری خوب می‌دانست که ثواب دارد: «مَنْ قَبَلَ وَادَّهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً؛ هر کس فرزندش را ببوسد، خدا برای او حسنه‌ای می‌نویسد».<sup>۱</sup>

روزی پیامبر خدا ﷺ نوه‌های خود، حسن و حسین علیهما السلام را بوسید. «قرع بن حابس»، کنار آن حضرت بود. او با مشاهده‌ی این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله گفت:

«من ده فرزند دارم، ولی تاکنون هیچ‌یک را نبوسیده‌ام!»

پیامبر فرمود: «من با تو چه کنم که خدا، رحمت و عطف‌ت را از دلت کنده است؟»<sup>۲</sup>

می‌فرمود: «أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ؛ کودکان را دوست بدارید و به آنان شفقت و مهربانی داشته باشید».<sup>۳</sup>

هرگاه حسن و حسین علیهما السلام بر پیامبر خدا وارد می‌شدند، آن حضرت بر می‌خاست و آن دو عزیز را در آغوش می‌گرفت و بر دوش خود سوار می‌کرد.

### مهمان‌نواز بود

احترام، پذیرایی، تکریم و ملاطفت نسبت به مهمان، از ارزش‌های اخلاقی است.

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹.



رسول خدا ﷺ برای مهمان خویش زیرانداز می انداخت، پذیرایی می کرد، با او هم غذا می شد و به نیازش رسیدگی می کرد. آن حضرت، این رفتار را با مهمانان دیگر هم داشت. برای آنان زیرانداز می انداخت. به خصوص اگر خویشاوند بودند، تکریم بیش تری روا می داشت.

به روایت امام صادق علیه السلام، روزی یکی از خواهران رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله، به محضر آن حضرت رسید. چون نگاه پیامبر به او افتاد، خیلی خوشحال شد. ردای خود را زیر او پهن کرد و او را روی آن نشاند و با او به گفت و گو مشغول شد و شادمانی نشان داد. چون آن زن برخاست و رفت، برادرش آمد. اما پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به او عنایت و تکریم کم تری داشت.

وقتی علت را پرسیدند فرمود: «برای آن که آن خواهر، نسبت به پدرش مهربان تر از آن برادر بود».

نیز روایت شده است: «وقتی کسی وارد خانه حضرت می شد، رسول خدا ﷺ به عنوان حرمت نهادن به او که مهمانش بود، هرگز از مجلس بر نمی خاست و بیرون نمی رفت، تا آن که خود آن شخص برخیزد و برود».

«سلمان فارسی» نقل می کند: «به خانه ی پیامبر خدا ﷺ رفتم. ایشان هم بالشی را که مخصوص خودش بود، پشت من قرار داد و فرمود: ای سلمان! هیچ مسلمانی بر برادر مسلمانش وارد نمی شود و



او به عنوان اکرام و احترام، زیرانداز برایش نمی‌گسترده، مگر آن‌که خداوند او را می‌بخشاید».

آن حضرت، با مهمان غذا می‌خورد و دست از غذا خوردن نمی‌کشید، مگر آن‌که مهمان دست از طعام بکشد.<sup>۱</sup>

خودش کارهایش را انجام می‌داد

پیامبر ﷺ در خانه کفش و لباس خویش را می‌دوخت... وسایل خویش را برداشت و می‌گذاشت.<sup>۲</sup>

آب و ظرف وضوی خود را خودش مهیا می‌کرد، تا هنگام برخاستن برای تهجد شبانه، برای کسی مزاحمت ایجاد ننماید: «و يَضَعُ طَهْرَةَ بِاللَّيْلِ بِيَدِهِ...».

نکته: متأسفانه برخی از نوجوانان وقتی نشستند، دیگر حال بلند شدن ندارند و پی در پی به برادر و خواهر و مادر دستور می‌دهند و رفع نیازهای خود را از آن‌ها می‌خواهند. این رفتار برخلاف سیره‌ی پیغمبر اکرم ﷺ است.

به غذا ایراد نمی‌گرفت

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَأْكُلُ الْأَصْنَافَ مِنَ الطَّعَامِ؛

پیامبر اعظم ﷺ، همه رقب غذا می‌خورد و نسبت به نوع غذا

۱. رجوع کنید: مجله‌ی پیام زن، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، شماره ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.



و کیفیت طبخ، ایراد نمی گرفت.<sup>۱</sup>

پیامبر خدا ﷺ در خانه که بود، از هر نوع غذایی که فراهم می کردند، می خورد و از آنچه خدا حلال کرده است، همراه خانواده و خدمت کاران تناول می کرد و هرگز از غذایی بدگویی و مذمت نمی کرد: «كَانَ رَسُولَ اللَّهِ يَأْكُلُ كُلَّ الْأَصْنَافِ مِنَ الطَّعَامِ وَ كَانَ يَأْكُلُ مِمَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ مَعَ أَهْلِهِ وَ خَدَمِهِ إِذَا أَكَلُوا...».

سرسفره با خانواده می نشست و غذا می خورد، مگر آن که مهمانی وارد شود که آن گاه همراه مهمان غذا می خورد.

نکته: مادر همیشه زحمت می کشد و در طول سال، بهترین غذاها را می پزد. حال اگر یک یا چند بار غذا شور یا بی نمک یا بدمزه بود، ما چه می کنیم؟

با زنان و کودکان مهربان بود

كَانَ رَسُولَ اللَّهِ أَرْحَمَ النَّاسِ بِالنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ؛

رسول الله ﷺ مهربان ترین فرد نسبت به بچه ها و زنان بود.<sup>۲</sup>

در خانه اهل مزاح و شوخی بود

وَ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَمْزَحُ مَعَهُنَّ؛

با خانواده خوش رو بود و با آنها گفت و گو و مزاح می نمود.<sup>۳</sup>

۱. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۶.

۲. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۹۸.

۳. همان.



نکته؛ درست شوخی کردن یک هنر است. این که با چه کسی، کی، چگونه، کجا مزاح کنید، مهم است.

### نظم و ترتیب را رعایت می‌کرد

رعایت نظم و ترتیب در تمام زندگی آن حضرت محسوس بود. ایشان نه تنها در امور اجتماعی و معاشرت «نظم» را فراموش نمی‌کرد، بلکه در کوچک‌ترین اعمال و رفتارهای شخصی نیز نظم بسیار دقیقی داشت.

وقتی به خانه‌اش می‌رفت، اوقاتش را سه قسمت می‌کرد: یک قسمت برای خدا، قسمتی برای خانواده‌اش و قسمت دیگر برای خودش. آن گاه قسمت خود را نیز میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و آن را برای بستگان و صحابه [که در منزل به خدمت او می‌رسیدند] قرار می‌داد و ذره‌ای از امکانات خود را از آنان دریغ نمی‌نمود.<sup>۱</sup>

آن حضرت از همان دوره‌ی کودکی، برخلاف کودکان هم سن و سالش، که عموماً ظاهر نامرتب و موهای نامنظم و ژولیده داشتند، ظاهری آراسته و منظم داشت.

عادت داشت خود را در آئینه ببیند و سر و روی خود را شانه کند. او علاوه بر اهل خانه، خود را برای یاران و اصحاب نیز می‌آراست و می‌فرمود: «خداوند دوست دارد که هر گاه بنده‌اش،

۱. سیمای پیامبر اسلام ﷺ، ص ۵۱.



برای دیدن برادران از خانه بیرون می‌رود نیز، خود را بیاراید»<sup>۱</sup>.

### ب) سیره‌ی اجتماعی

شروع به سلام می‌کرد

كَانَ مِنْ خُلُقِهِ أَنْ يُبْدَأَ مَنْ لَقِيَهُ بِالسَّلَامِ؛

«از خلق و خوی حضرت آن این بود که با هر کس برخورد

می‌کرد، آغاز به سلام می‌نمود»<sup>۲</sup>.

شخصی تصمیم گرفت زودتر به پیامبر اکرم ﷺ سلام کند. او

پشت درختی مخفی شد. ولی همین که پیامبر ﷺ به آنجا رسید، با

صدای بلند فرمود: «ای کسی که پشت درختی، سلام علیکم».

مصافحه می‌کرد

إِذَا لَقِيَ مُسْلِمًا بَدَأَ بِالمُصَافِحَةِ؛

هرگاه با مسلمانی دیدار می‌کرد، با او دست می‌داد.<sup>۳</sup>

در هنگام دست دادن نیز رعایت می‌کرد، تا دست خویش را زود

عقب نکشد، مبادا طرف مقابل، احساس بی‌علاقگی و سردی در

برخورد پیدا کند.

حرف کسی را قطع نمی‌کرد

و لَا يَقْطَعُ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ؛

۱. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۴. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

۲. محجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۲۴.

۳. سنن النبی، ص ۶۲.



حضرت رسول ﷺ حرف گوینده را تا پایان گوش می‌دادند و ساکت می‌ماندند تا صحبت آنان تمام شود. ایشان هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد.<sup>۱</sup>

نکته: آیا ما این گونه‌ایم، یا این که مثل بعضی‌ها، وسط حرف دیگران می‌پریم و حرفشان را قطع می‌کنیم؟

حتی در حال خشم خلاف حق نمی‌گفت

وَكَانَ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ لَا يَقُولُ إِلَّا حَقًّا؛

حضرت رسول ﷺ، در حال خشم از مرز حق بیرون نمی‌رفت.<sup>۲</sup>  
او دیرتر از همه خشمگین و عصبانی می‌شد و زودتر از همه نیز، عفو می‌کرد.

دست و دل باز بود

كَانَ أَجْوَدَ النَّاسِ كَفًّا؛

پیامبر ﷺ از همه‌ی مردم بخشنده‌تر بود.<sup>۳</sup>

قبل از مهمان دست از غذا نمی‌کشید

رسول خدا ﷺ، هرگاه مهمان داشت، با او غذا می‌خورد و دست از سفره و غذا نمی‌کشید، تا آن که مهمان دست از غذا خوردن

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۲.

۲. سنن النبی، ص ۷۶.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۴.



بکشد.<sup>۱</sup>

البته پیامبر ﷺ تا کاملاً گرسنه نمی‌شد، غذا نمی‌خورد و قبل از آن که کاملاً سیر شود، دست از غذا می‌کشید.<sup>۲</sup>

با مردم راحت بود

مردی خدمت آن حضرت آمد و با دیدن عظمت آن حضرت، دستپاچه شد و به لرزه و لکنت زبان افتاد.

پیامبر اکرم ﷺ او را دل‌داری داد و فرمود: «آرام باش، من که پادشاه نیستم! من پسر زنی هستم که قد (غذای ساده عرب‌ها: مانند اشکنه) می‌خورد!»<sup>۳</sup>

گره‌گشای مشکلات مردم بود

تلاش برای انجام خواسته‌ی مراجعین، گامی دیگر در این راه بود. هر کس از وی درخواستی داشت، یا آن را انجام می‌داد، و اگر نمی‌توانست، حداقل با سخن نیک و کلام نرم پاسخش را می‌داد و اخلاق نیکوی خود را شامل همگان می‌ساخت.

اگر یک مراجعه‌کننده‌ی غریب و ناآشنا، رفتار تندی داشت، به نحوی که اصحاب قصد برخورد و تنبیه او را داشتند، حضرت می‌فرمود: هرگاه حاجت‌مندی را دیدید که آمده و خواسته‌ای دارد،

۱. سنن النبی، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۹.



او را پذیرایی و تکریم کنید؛

«إِذَا رَأَيْتُمْ طَالِبَ الْحَاجَةِ يَطْلُبُهَا فَأَرْفِدُوهُ.»<sup>۱</sup>

به هیچ کس سرکوفت نمی‌زد

كَانَ لَا يَذُمُّ أَحَدًا وَلَا يُعِيرُهُ؛

کسی را سرزنش نمی‌کرد و تگه نمی‌پراند.<sup>۲</sup>

انتقام‌جو نبود

مَا انْتَصَرَ لِنَفْسِهِ مِنْ مَظْلَمَةٍ حَتَّى يَنْتَهِكَ مَحَارِمَ اللَّهِ؛

اگر ظلمی به او می‌شد، انتقام نمی‌گرفت، مگر این که حریم الهی

زیر پا گذاشته می‌شد.<sup>۳</sup>

نکته: انسان‌های حقیر پیوسته در فکر انتقام‌جویی و مقابله به

مثل‌اند، اما صاحبان روح‌های بلند و همت‌های عالی، گذشت و عفو

را شیوه‌ی خود می‌سازند.

رسول خدا ﷺ با آن همه ستم و بدی که از قریش دیده بود، در

فتح مکه، به جای انتقام‌جویی، همه را بخشید و به آنان که شعار

«انتقام، انتقام» می‌دادند اعتراض کرد.

کسانی از یهود خیبر را هم که غذای مسموم برای حضرت

فرستاده بودند و زنی یهودی را، که غذای زهر آگین برای حضرت

۱. معانی الاخبار، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۳.

۲. سنن النبی، ص ۱۷.

۳. همان، ص ۴۵.



فراهم کرده بود، بخشید و از خطای آنان در گذشت.  
 عادت پیامبر ﷺ بود که بدی را با بدی پاسخ ندهد، بلکه کریمانه  
 گذشت کند و ببخشد:

«لَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ، وَلَكِنْ يَغْفِرُ وَيَصْفَحُ.»<sup>۱</sup>

امت خویش را بر همین اخلاق تربیت کرده بود و خصلت ستیزه  
 جویی و انتقام را به روحیه عفو و صفح تبدیل ساخته بود. نمونه‌ای از  
 این روحیه هم در «پوزش‌پذیری» جلوه می‌کرد و اگر کسی خطا و  
 جفایی می‌کرد، سپس عذرخواهی می‌کرد، حضرت می‌پذیرفت:

«لَا يَجْفُو عَلَى أَحَدٍ، يَقْبَلُ مَعْدِرَةَ الْمُعْتَذِرِ إِلَيْهِ؛ بِهِ كَسَى جَفَا وَ تَنَدَى

نمی‌کرد، هر کس هم از او معذرت خواهی می‌کرد، می‌پذیرفت.»  
 حتی برخوردش با خدمت‌کار خود آنس، کریمانه بود، نه  
 ملامت‌گرانه.

«انس بن مالک» می‌گوید: «من نه سال همراه پیامبر و خادم او  
 بودم، هرگز به یاد ندارم که یک بار هم به من گفته باشد: چرا چنین  
 و چنان کردی؟ و هرگز چیزی را بر من عیب نگرفت.»<sup>۲</sup>  
 «انس» می‌گوید:

«فردی بیابان‌نشین هنگام دیدار پیامبر خدا ﷺ، ردای آن حضرت  
 را گرفت و به طوری کشید که دیدم گردن نازنین آن بزرگوار، از

۱. الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۳۴.

۲. مجله‌ی پیام زن، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، شماره ۱۷۹ و ۱۸۰.



فشار حاشیه‌ی آن ردا کبود شد.

آن اعرابی با بی‌ادبی ادامه داد: دستور بده تا از مال خدا که نزد تو است، به من بدهند.

رسول خدا ﷺ به او توجهی کرد.

اصحاب گفتند: اگر اجازه بدهید او را تنبیه کنیم. پیامبر، نه تنها اجازه‌ی تنبیه اجازه ندادند، بلکه لبخندی زدند و دستور دادند به آن مرد هدیه‌ای بدهند.

آن مرد بیابان‌نشین خوشحال شد و از به‌خاطر رفتار حسنه‌ی پیامبر و انتقام نگرفتن ایشان، شیفته‌ی پیامبر شد.»

جلوی دیگران پایش را دراز نمی‌کرد

مَا رَأَى مُقَدِّمًا رِجْلَهُ بَيْنَ يَدَيْ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ؛

هرگز دیده نشد که پای خود را، در حضور دیگران دراز کند.<sup>۱</sup>  
نکته: بسیاری از بچه‌ها، جلوی پدر و مادرشان یا بزرگ‌ترها، پاهای خود را دراز می‌کنند یا به صورت غیرمؤدبانه می‌نشینند، در حالی که پیامبر...

بیش‌تر رو به قبله می‌نشست

وَ كَانَ أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ؛

رسول خدا ﷺ اغلب رو به قبله می‌نشست.<sup>۲</sup>

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۵.  
۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰.



میهمان را کنار خود جای می‌داد

و كَانَ يُؤْتِرُ الدَّاحِلَ عَلَيْهِ بِالْوَسَادَةِ الَّتِي تَحْتَهُ، فَإِنْ أَبَى أَنْ يَقْبِلَهَا عَزَمَ عَلَيْهِ حَتَّى يَفْعَلَ؛ رسول خدا ﷺ وقتی کسی بر ایشان وارد می‌شد، زیر انداز خود را در اختیارش می‌گذاشت و او را روی تشک خود می‌نشاند و اگر او قبول نمی‌کرد، آن حضرت، آن قدر تاکید می‌فرمود تا بپذیرد.<sup>۱</sup>

وقتی در یکی از دیدارهای مردمی، اتاق حضرت پر از جمعیت بود، «جریر بن عبدالله» وارد شد. داخل اتاق جایی برای او نبود. او مجبور شد بیرون از اتاق بنشیند. پیامبر ﷺ، چون نگاهش به او افتاد، عبای خود را از دوش خود برگرفت و پیچید و به سمت او فرستاد، تا روی آن بنشیند.

اما جریر هم، ادب نشان داد و عبای پیامبر را بر صورت خود نهاد و بر آن بوسه زد.

این شیوه، تنها نسبت به آشنایان و افراد متشخص انجام نمی‌گرفت و هر کس خدمت ایشان می‌رسید، مورد اکرام قرار می‌گرفت و آن حضرت زیرانداز یا عبای‌شان را برای او پهن می‌کردند، هر چند میان آنها، خویشاوندی و آشنایی و سابقه‌ی رفاقت نباشد:

«و كَانَ يُكْرِمُ مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ، حَتَّى رَهْمًا بَسَطَ ثَوْبَهُ لِمَنْ لَيْسَتْ بَيْنَهُ



و بینه قرابة و لا رضاعٌ یجلسه علیه.»

به این نمونه هم دقت کنید: مردی وارد مسجد شد و به حضور پیامبر ﷺ رسید. رسول خدا ﷺ تنها بود و مسجد هم بزرگ. ولی پیامبر در عین حال جا به جا شد و برای آن مرد، جا باز کرد.

وی گفت: یا رسول الله! جا که وسیع است، جای دیگری می‌نشینم.

حضرت فرمود:

«إِنَّ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا رَأَهُ يُرِيدُ الْجُلُوسَ إِلَيْهِ أَنْ يَتَزَخَّرَ لَهُ؛ از جمله حقوق مسلمان بر برادر مسلمانش، این است که وقتی دید می‌خواهد کنار او بنشیند، برایش جا باز کند و کنارتر بنشیند.»<sup>۱</sup>

به پیاده‌روی و ورزش تشویق می‌کرد

پیامبر ﷺ می‌فرمود: «خَيْرُ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْمَشْيُ؛

بهترین چیزی که خود را با آن درمان می‌کنید، پیاده‌روی است.»<sup>۲</sup>

ورزش‌هایی چون اسب سواری، کشتی، تیراندازی، شنا و... نیز مورد علاقه‌ی رسول خدا ﷺ بود. چنان‌که در روایت آمده است: پیامبر ﷺ، مسابقه اسب‌دوانی برگزار کرد و جایزه‌اش را مقداری

۱. رجوع کنید: مجله‌ی پیام زن، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، شماره ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۸۹.



نقره قرار دادند.<sup>۱</sup>

دوستان غمگین را با شوخی شاد می کرد

یار همیشگی پیامبر ﷺ، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «پیامبر خدا ﷺ همیشه هر یک از اصحاب را غمگین می دید، با شوخی او را خوشحال می کرد».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا شوخی و مزاح می کرد، ولی چیزی جز حق و واقعیت نمی گفت».<sup>۳</sup>

نکته: برخی از مزاح ها بر هم خندیدن است نه با هم خندیدن. برخی مزاح ها بی جا و غیر مؤدبانه است. پیامبر شوخی می کرد، ولی نمکین و با رعایت ادب و بدون ناراحت کردن دیگران بود.

#### نمونه هایی از مزاح پیامبر ﷺ

۱- روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به پیرزنی از قبیله اشجع فرمود: «ای زن اشجعی! پیرزنان داخل بهشت نمی شوند! آن زن [بعد از آن- که از پیامبر جدا شد] شروع کرد به گریه کردن. «بلال حبشی» آن پیرزن را گریان دید. وقتی از علت گریه او آگاه شد، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ناراحتی او را بازگو کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سیاهان هم وارد بهشت نمی شوند!»

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۴۹ و مسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹۴.

۲. سنن النبی، ص ۶۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴.



بدین ترتیب، بلال هم بنا گذاشت به گریه کردن. «عباس» عموی پیامبر، آن دو را دید که در حال گریه هستند. نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان را برای حضرت نقل کرد. حضرت خطاب به عموی خود «عباس»، که در سنین پیری به سر می‌برد، فرمود: «پیرمردان هم وارد بهشت نمی‌شوند». سپس پیامبر اکرم ﷺ، آنان را دلداری داد و فرمود: «خداوند در روز قیامت، آنان را در بهترین هیئت، وارد بهشت می‌گرداند و آنان، به صورت جوانانی نورانی وارد بهشت می‌شوند و فرمود: بهشتیان، بی‌نقص و کامل و به صورت جوان زیبا وارد بهشت می‌گردند»<sup>۱</sup>.

۲- روزی حضرت رسول ﷺ به همراه امیرمؤمنان ﷺ مشغول خوردن خرما بودند.

پیامبر ﷺ، به عنوان مزاح، هر خرمایی که می‌خورد، پنهانی هسته و دانه‌اش را جلوی حضرت علی ﷺ می‌گذاشتند. خرماها تمام شد، ولی نزد پیامبر ﷺ هیچ هسته‌ی خرمایی نبود، در حالی که همه‌ی هسته‌ها، جلوی حضرت علی ﷺ بود. پیامبر ﷺ فرمود: «یا عَلِيَّ إِنَّكَ لَأَكُولُ؛ علی جان! تو خیلی خوش‌خوراک هستی!»

حضرت علی ﷺ، در پاسخ مزاح پیامبر ﷺ فرمود: «الْأَكُولُ مَنْ أَكَلَ الرُّطْبَ وَ النَّوَاهَ؛ خوش‌اشتها، کسی است که خرما را با هسته‌اش

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۱۰.



کلامی دارد و همیشه می‌گوید: من آزادم و برده نیستم. اگر به سخنش گوش دهید، برده را از دست داده‌اید.»

آنان نعیمان را به ده ماده شتر خریدند. سپس نزد نعیمان آمدند و به گردش ریسمان انداختند.

نعیمان گفت: «این مرد شوخی کرده است، من آزادم.»

گفتند: «پیش از این، خبرت را شنیده‌ایم.» بدین ترتیب او را بردند.

البته وقتی دیگر همراهان رسیدند و متوجه ماجرا شدند، نعیمان را آزاد کردند.

نقل شده است که پیامبر ﷺ تا مدتی از این شوخی می‌خندیدند.<sup>۱</sup>

پایان